

بررسی و تحلیل مهدویت تشیع در تجربه شیعه‌شناسی مستشرقان

(مطالعه موردی برنارد لوئیس)

حسینعلی جبّاری^۱

چکیده

مهدی و مهدویت، از مباحثی است که حساسیت مستشرقان، به صورت عام، و مهدی‌پژوهان غربی به صورت خاص را در سده‌های اخیر برانگیخته است. شمار درخوری از متفکران غربی، با تکیه بر مطالعات تاریخی، به بازخوانی مطالعات مهدی و مهدویت‌پژوهی پرداخته‌اند. برنارد لوئیس با بررسی اندیشه مهدی و مهدویت در تشیع، فرایند اعتقاد به مهدی و کنش‌های اجتماعی به آن را مورد بررسی قرار داده است. اطلاعات کمی درباره مهدی‌پژوهی وی در منابع موجود است؛ اما این نوشتار با واکاوی در آثار وی، و با روش توصیفی‌تحلیلی به بازخوانی تجربه مهدی‌پژوهی لوئیس پرداخته است. اهم ادعاهای لوئیس در زمینه مهدویت مواردی از قبیل غیراصیل بودن اندیشه مهدی و مهدویت در تشیع، نفوذ جریان منجی‌باوری زرتشت در شیعه و حتی یهود و مسیحیت، اهرم فشار بودن مسئله مهدی و مهدویت در جوامع شیعه و منجی‌باور، در تقابل با دشمن و استعمارگران بوده و از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق پیش رو هستند.

واژگان کلیدی: تشیع، مهدویت، مهدی، شیعه، برنارد لوئیس.

۱. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و مهدویت‌گرایش سیاسی و اجتماعی مرکز تخصصی مهدویت قم.

مقدمه:

مستشرقان و پژوهشگران غربی در سده‌های اخیر با توجه به روند عدالت‌خواهی و نجات‌باوری جریان‌های اجتماعی، بیشتر به موضوع مهدویت و جایگاه آن در اسلام پرداخته‌اند؛ اگرچه اهداف و اغراض آنان در فرایند اسلام‌شناسی به صورت عام و مهدی‌پژوهی به صورت خاص متفاوت است.

به صورت کلی بعضی از آنان همچون راجر بیکن ۱۲۹۴م، ریموند لول ۱۳۱۶م از مبلغان و روحانیان مسیحی، در کنار انجام وظایف دینی به مطالعه اسلام می‌پرداختند، تا از این طریق بتوانند به راهی در راستای فعالیت‌های تبشیری و تبلیغی مسیحیت دست یابند. بعضی به دنبال اکتشاف منابع علمی و باستانی اسلام و شرق بوده‌اند، تا از این طریق ضعف و نقائص علمی خود را پوشش دهند. برخی انگیزه‌های سیاسی و استعماری داشته و با فراگیری اسلام، درصدد ایجاد رخنه در جوامع اسلامی بودند که به مواردی از این قبیل اشاره می‌شود:

ایجاد تشنت و تفرقه در میان ملل مسلمان، تضعیف روحیه برادری، ترویج بی‌ایمانی بین مسلمانان، تضعیف روحیه معنوی، ترویج سوء ظن به بزرگان دین، نشان دادن جامعه اسلامی به صورت ازهم‌گسسته، کم‌اهمیت نشان دادن تمدن اسلامی، بزرگ‌نمایی گذشته‌های تلخ کشورهای اسلامی برای تحقیر دوره اسلامی آن‌ها، جعل مفاهیم غیرعلمی و دور از واقعیت، تمسک به پاره‌ای از باورهای دینی برای کاستن قدر و منزلت دین (مانند مقدم بودن مردان بر زنان در برخی امور)، آشفته ساختن ذهن خواص و تحصیل‌کردگان و فریب دادن آن‌ها به روش‌های مختلف، برجسته کردن نقش یهود و نصارا در مباحث مربوط به دین اسلام، تخلیه روانی و هویت‌زدایی ملت‌ها. برخی نیز به دنبال معرفت و علم بوده و فرایند مطالعاتی خود را منصفانه پیموده‌اند.^۱

در بررسی و رصد منابع درباره روش شناختی تحقیقاتی برنارد لوئیس درباره مهدی و مهدویت، با منابع علمی کم و کلی، مواجه خواهید شد؛ از جمله آن منابع می‌توان به صفحات اینترنتی و کتاب‌های ترجمه شده از او اشاره کرد. در مقام تحلیل اندیشه وی، مقالاتی تدوین یافته که یا کل

۱. الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص ۴۰.

اسلام و یا ابعادی از اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند؛ از جمله آن می‌توان به این دو مقاله اشاره کرد:

- مقاله «سیر تحول آراء مستشرقان در مورد مهدویت؛ دوره دوم از ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۸م، نوشته زهیر دهقانی آرانی که به صورت بسیار اجمالی به اندیشه لوئیس اشاره کرده است.

- مقاله «اسلام‌شناسی با نگاهی به آثار برنارد لوئیس»، نوشته فاطمه عزیزمحمدی و عبدالله رحیمی که به بررسی اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی لوئیس و بررسی مطالعات اسلامی در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و دینی در خاورمیانه پرداخته است.

آنچه در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد، تبیین و تحلیل اندیشه مهدی و مهدویت‌پژوهی برنارد لوئیس در تجربه شیعه‌شناسی و انگیزه او است که به صورت جست‌وجوی اکتشافی در تألیفات وی به توصیف و تحلیل محتوای با موضوع مهدی و مهدویت تشیع، انجام شده است.

معرفی برنارد لوئیس

برنارد لوئیس^۱ در ۳۱ مه ۱۹۱۶م در لندن، در خانواده‌ای یهودی با طبقه متوسط متولد شد. در دوران جوانی و در سال ۱۹۴۷م با زنی دانمارکی ازدواج کرد که حاصل آن یک دختر و یک پسر بود. پس از ۲۷ سال زندگی مشترک، به دلیل ارتباط پنهانی با شاهدختی از امپراتوری عثمانی، همسرش از او جدا شد. این جدایی، گسست رابطه وی با روشنفکران یهودی تباری را در پی داشت که از دوستان همسر وی بودند.

وی در سال ۱۹۳۹م از دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن دکترای تاریخ گرفت. در پاریس زبان‌های سامی را آموخت و در آنجا از شاگردان لویی ماسینیون (کارشناس تصوف اسلامی) بود. او همچنین در دانشگاه لندن رشته حقوق را خواند و در این رشته مشغول به کار شد؛ اما پس از مدتی به سبب نگاه متفاوت به جهان، این رشته را رها کرد و در سال ۱۹۳۸م به سمت دانشیار تاریخ اسلام در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن

1. Bernard Lewis.

منصوب شد. در واقع تخصص او در تاریخ اسلام و اثر متقابل میان اسلام و جهان غرب است.^۱ وی پژوهش‌های خود را درباره تاریخ امپراتوری عثمانی انجام می‌داد.

لوئیس در منازعه‌ای که با ادوارد سعید بر سر کشمکش میان اسرائیل و فلسطین صورت داد، شناخته شد. وی پس از مدتی در جایگاه یکی از مؤثرترین خاورشناسان غربی قرار گرفت و از حیث سیاسی گرایش زیادی با حزب جمهوری خواه امریکا پیدا کرد.

براساس برخی گزارش‌ها، وی در جنگ جهانی دوم به دلیل تسلط بر زبان‌های خارجی (شرقی و غربی) از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۲ م به عنوان سرجوخه در واحد اطلاعات ارتش بریتانیا در بخش خاورمیانه، برای جاسوسی و رمزگشایی از پیام‌ها مشغول به کار شد.^۲ در سال ۱۹۴۸ م و پس از تأسیس اسرائیل، دانشمندان یهودی به دنبال تحقیق درباره کشورهای عربی بودند؛ اما چون به آن‌ها با نگاه جاسوسی توجه می‌شد، در قالب‌های دیگری به مطالعه درباره آن کشورها در کشورهای دیگر می‌پرداختند که نمونه آن لوئیس بود که در دربار عثمانی مشغول به تحقیقات شد.^۳

تحقیقات وی بیشتر یک سویه و جهت‌دار بوده است. در تأیید این مسئله، ادوارد سعید، معتقد است شرق‌شناسی رشته‌ای است که عقل‌گرایی را سیاسی کرده و بر مطالعات عینی استوار نیست؛ چراکه به صورت نژادپرستی صورت پذیرفته و ابزاری برای تسلط امپریالیسم است. وی بی‌طرفی برخی شرق‌شناسان همچون برنارد لوئیس را زیر سؤال می‌برد و می‌گوید: «دانش لوئیس درباره خاورمیانه به شدت جهت‌دار است و نباید به آن توجه کرد. لوئیس چهل سال است پای خود را در خاورمیانه و کشورهای عربی نگذاشته است. او اطلاعاتی درباره ترکیه دارد؛ ولی از دنیای عرب هیچ نمی‌داند». ادوارد سعید معتقد است برنارد لوئیس جهان اسلام را موجوداتی واحد در نظر می‌گیرد و به تنوعات جمعیتی و نیروهای محرک و پیچیدگی‌های تاریخی آن توجهی نمی‌کند؛

۱. موسوی، شرق‌شناسی و مهدویت، ص ۷۴؛ سعد، سلسله‌دراسات استشراقیه (برنارد لوئیس)، ص ۷.

۲. دانشنامه ویکی‌پدیا. سعد، سلسله‌دراسات استشراقیه (برنارد لوئیس)، ص ۸.

۳. موسوی، شرق‌شناسی و مهدویت، ص ۷۵؛ ژنرال‌های جنگ نرم ۲۱، ص ۴.

بنابراین لوئیس فردی عوام فریب است و جهل مطلق نسبت به اسلام دارد.^۱

در سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۴م در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، تاریخ خاورمیانه و خاور نزدیک را درس داد و در سال ۱۹۷۴م آنجا را رها کرد. وی به دانشگاه پرینستون رفت و به تدریس پرداخت.^۲ او با برخی چهره‌های نومحافظه‌کار همچون ریچارد پل، مشاور وزیر دفاع آمریکا در دوره رونالد ریگان،^۳ پال ولفوویتز،^۴ الیت ایبرامز،^۵ که بسیاری از آن‌ها بعدها از پایه‌گذاران اصلی سیاست خارجی تهاجمی آمریکا شدند، آشنا گردید و ارتباط برقرار کرد. این درحالی بود که وی مشاور سناتور نومحافظه‌کار هنری ام. جکسون شده بود. لوئیس در سال ۱۹۸۶م از دانشگاه پرینستون بازنشسته شد و تا سال ۱۹۹۰ در دانشگاه کرنل به تدریس و پژوهش پرداخت. در سال ۲۰۰۲ نوام چامسکی از لوئیس به دلیل حذف اسنادی که حاکی از نقش غرب در عقب‌ماندگی منطقه خاورمیانه بود، انتقاد کرد.^۶

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، مناقشه میان سیاست‌گذاران آمریکا این بود که مشکل جهان اسلام با غرب، فرهنگی است و رویکرد فرهنگی دارد. برخی دیگر از جمله برنارد لوئیس و شاگردانش، اختلاف فرهنگی را عامل مشکل نمی‌دانستند. لوئیس در کاخ سفید برای مشاوران امنیتی سخنرانی کرد و گفت: «روحیات ضد آمریکایی در جهان اسلام ربطی به سیاست‌های آمریکا ندارد و ریشه در ناکامی‌ها و خطاهای تاریخی خود جهان اسلام دارد». وی در طول حیات علمی خود،

۱. Said, Edward. "The Clash of Ignorance." *The Nation* October 22, 2001. Retrieved April ۱۱, 2007.

۲. لوئیس، ایران در تاریخ اسلام، ص ۷۶۴.

۳. رونالد ریگان، از چهره‌های نومحافظه‌کار طراح جنگ عراق بود.

۴. پال ولفوویتز، معاون سیاست‌گذاری وزارت دفاع آمریکا در دوره جرج دابلیو بوش و از چهره‌های نو محافظه‌کار طراح جنگ عراق است.

۵. الیت ایبرامز، دستیار رئیس‌جمهور در دوره رونالد ریگان و دستیار ویژه رئیس‌جمهور در دوره جرج اچ دابلیو بوش است.

۶. Solomon, Evan (May 17, 2002). "Hot Type: Bernard Lewis Interview: What Went Wrong? Western Impact and Middle Eastern Response". CBC News. Archived from the original on April 30, 2008. Retrieved April ۱۱, 2008.

۷. لوئیس، ایران در تاریخ اسلام، ص ۷۶۴.

کتاب‌های مختلفی همچون: تاریخ اسماعیلیان، استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی، بنیادهای کیش اسماعیلیان، بحثی تاریخی در پیدایش خلافت فاطمیان، نخستین مسلمانان در اروپا، زبان سیاسی اسلام، خاورمیانه: دوهزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز، اعراب در تاریخ (۱۹۵۰)، خاورمیانه و غرب (۱۹۶۴)، یهودیان اسلام (۱۹۸۴)، اسلام و غرب (۱۹۹۳)، مشکل از کجا آغاز شد؟ (۲۰۰۲) و کتب و مقالات دیگری نوشت.

وی در برخی از مقالات خود، تجزیه برخی از کشورهای اسلامی به ویژه ایران را پیشنهاد داده بود تا به قطعات گوناگون قومی، تجزیه و کشورهای نوپا تشکیل شود؛ در نتیجه، ضمن حفظ موازنه قدرت میان کشورهای خاورمیانه، توان برتری و تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای و ایجاد تهدید برای منافع امریکا را نداشته باشند. تروریسم و افراط‌گرایی ایجاد شده در منطقه، ادامه سیاست‌هایی است که در دکترین لوئیس بوده است.^۱

او نظرات دیگری نیز دارد؛ از جمله: آینده اروپا چیست؟ آیا اروپای اسلامی خواهیم داشت یا اسلام اروپایی؛ اسلام، تمدنی برجسته در گذشته و شیطانی مجسم در حال است؛ برخورد و نبرد تمدن‌ها و تجزیه کشورها؛ چرایی تنفر مسلمانان از غرب؛ پیش‌بینی‌های آخرالزمانی در حمله اتمی ایران به اسرائیل. توضیح بیشتر در این باره، در این مقاله نمی‌گنجد. بالاخره برنارد لوئیس در ۱۹ مه ۲۰۱۸م در سن ۱۰۱ سالگی، بر اثر کهولت سن در وورهایز، نیوجرسی ایالات متحده آمریکا درگذشت.

مفهوم «مهدی»

لوئیس در تعریف معنای مهدی می‌گوید:

مهدی به معنای هدایت شده بوده و مسلمانان، آن را به شخصیتی اطلاق می‌کنند که از سوی خداوند، مأمور و هدایت شده تا به عصر گناه و گناه‌کاری بشر پایان دهد و جهان را پر از عدل و داد کند.^۲

لذا تعریف مفهومی او از مهدی، تعریفی است که دیگر مسلمانان و شیعیان بدان توجه دارند؛

۱. ژنرال‌های جنگ نرم ۲۱، ص ۹.

۲. لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ص ۴۵.

اما در مصداق افراد خاص، دیگر قرائت‌های شیعی را معرفی می‌نماید.

مهدویت؛ نسخه شیعیان موالی

لوئیس معتقد است، مهدویت ساخته موالی و ایرانیان شیعه است؛ چراکه آنان در طول تاریخ اسلام، مورد ظلم و ستم اعراب بوده‌اند. به عقیده لوئیس، آن‌ها با بهره‌گیری از آیین زرتشت، بحث سوشیانت را در اسلام آمیخته و به پیامبر و علی علیه السلام نسبت دادند؛ لذا به قیام‌ها و جنبش‌های مختلف منجر شد. او به جریان همکاری ایرانیان در قیام مختار و همچنین جریان مهدی شدن محمد حنفیه به عنوان مهم‌ترین اقدام و قیام آن‌ها استناد می‌کند؛ لذا در این زمان بود که بحث غیبت و رجعت محمد حنفیه آغاز و طرح شد.^۱

لوئیس، اندیشه مهدی و مهدویت را حاصل درهم‌آمیزی تشیع عربی با تشیع موالی می‌داند. او تشیع عربی را حزبی سیاسی، و مهدویت را حاصل اختلاط تشیع عربی با تشیع موالی می‌داند. اندیشه مهدی، مهدویت و نجات‌بخش در آخرالزمان را حاصل اختلاط تشیع سیاسی اعراب با موالیان تازه شیعه‌شده از زرتشتیان موعودگرا می‌داند؛ لذا درباره آن می‌نویسد:

یکی از نشانه‌های تغییر تشیع عربی به تشیع موالی، پیدایش اندیشه مهدی و مهدویت است. شیعه از یک نامزد سیاسی کسب قدرت، به صورت شخصیتی اسرارآمیز و بااهمیت دینی بسیار، نخست به صورت یک مسیح و سپس به صورت مظهری از الوهیت بیرون آمد. و پیدایش این اندیشه‌های معادی به منابع مختلف نسبت داده شده است.^۲

طبق عقیده او، اندیشه مهدی و مهدویت را موالیان به اسلام وارد کردند. او می‌نویسد: ایرانیان با خود اندیشه هند و اروپایی یک خاندان برگزیده از جانب خدا را که منتقل‌کننده فره یزدانی از نسلی به نسل دیگر بود و سرانجام از میان آن‌ها سوشیانتی، یا مسیحی برمی‌خاست، به اسلام آوردند و این مفهوم را به خاندان پیامبر و شخصیت علی منتقل ساختند.^۳

۱. لوئیس، بنیادهای کیش اسماعیلیان، ص ۶۴.

۲. لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ص ۳۳.

۳. همان.

آنچه مسلم است، موضوع مهدی و مهدویت در اسلام از دیدگاه لوئیس، برآمده از اندیشه‌های مسیحایی موالیان و ایرانیان است.

نخستین کاربرد مهدی، غیبت و رجعت در شیعه

به اعتقاد برنارد لوئیس کاربرد واژه مهدی به معنای افتخاری و سیاسی، اولین بار در وصف علی بن ابی طالب، امام حسن و امام حسین علیهما السلام به کار گرفته شده است؛ اما به معنای اندیشه‌ای مسیحایی و شگرف در قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ ق (مصادف با ۶۸۵ م) صورت پذیرفته است و آن بدین صورت بود که مختار گفت محمد بن حنفیه مهدی و قائم منتظر است. این تبلیغ و شعار در فضای فرهنگی و اجتماعی آن وقت کوفه که کانون جمعیت‌های گوناگونی قومی، نژادی، مذهبی و دینی ستم‌دیده بود، کارگر شد و زمینه ایجاد جنبش‌های التقاطی و مسیحایی و قیام‌های مختلف را فراهم آورد. با رحلت محمد حنفیه، برای از دست رفتن جنبش و قیام، تبلیغات غیبت وی از انظار عمومی آغاز شد، به این مضمون که وی سرانجام باز خواهد گشت و دنیا را پر از عدل و مساوات خواهد کرد.^۱ ظاهراً لوئیس مسئله مهدی، مهدویت، غیبت و رجعت محمد حنفیه را راهبرد مختار برای پیگیری قیام خود می‌داند.

ریشه منجی موعود ایرانیان شیعه

لوئیس ریشه‌های منجی موعود ایران شیعی را در منجی موعود ایرانیان باستان (زرتشتیان) می‌داند و اشاره می‌کند که تفکر اساسی در ایران باستان، مبارزه بین نیروی خیر و شر است. قدرت هرکدام از خیر و شر تقریباً هم‌تراز است و قائل به روز جزا، قیامت، بهشت و دوزخ هستند. اندیشه بازگشت مسیح موعود، ریشه در دین ایران باستان دارد. به اعتقاد زرتشتیان، شخصی در آخرالزمان که از نسل زرتشت است، ظهور کرده، همه چیزهای خوب را در زمین مستقر خواهد نمود. ایرانیان زرتشتی که همواره تحت سلطه و یوغ سلاطین عرب بودند، از اندیشه منجی‌گرایانه زرتشتی برای رهایی از ظلم و ستم عرب‌ها استفاده کردند و با درهم‌آمیزی آن با

۱. لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ص ۳۴.

اسلام، قرائتی جدید ایجاد کردند^۱.

مدعیان مهدویت و متمهدیان

مدعیان مهدویت و متمهدیان در طول تاریخ اسلام، در جای جای سرزمین‌های اسلامی به اقداماتی دست زده‌اند. این مسئله مستمسکی برای گرایش گروهی از مردم و سوء استفاده افراد و اشخاصی از مسئله مهدویت شده است. برنارد لوئیس مدعیان مهدویت و متمهدیان را در دو گروه حنفیه و اسماعیلیه بررسی و دسته‌بندی می‌کند. وی ابتدا دسته‌های حنفیه را که به لحاظ پیشینه مقدم بر اسماعیلیه است، برشمرده و سپس اسماعیلیه را معرفی می‌کند.

۱. کیسانیه

اولین مدعیان مهدویت و متمهدیان با جریان حنفیه در شیعه و با قیام مختار، آغاز و به مختاریه و کیسانیه مشهور شده‌اند. آن‌ها پس از وفات محمد بن حنفیه به سه دسته تقسیم شدند. دسته اول، کربیه هستند. کربیه پیروان ابن کرب و حمزه بن عماره البربری هستند. آن‌ها معتقدند محمد بن حنفیه نمرده است؛ بلکه از انظار پنهان شده است و بازمی‌گردد و حکومت عدل الهی در زمین برپا می‌کند. موقعیت حمزه به جایی می‌رسد که مدعی می‌شود محمد بن حنفیه خدا بوده و او (حمزه) پیامبر و رسولش بوده است. صائد و بیان، از پیروان وی بودند و بعدها به فرقه مستقل تبدیل شدند.

دسته دوم، گروهی هستند که معتقدند محمد بن حنفیه در کوه رضوی در حجاز پنهان شده و بازمی‌گردد تا دنیا را پر از عدل و داد کند. سید حمیری، شاعر معروف از طرفداران این گروه بود که بعدها به امام صادق علیه السلام گروید. دسته سوم، هاشمیه است. آن‌ها معتقدند که امامت، از محمد حنفیه به پسرش ابوهاشم رسیده است و گروهی نیز به مهدویت ابوهاشم معتقدند. هاشمیه به دسته‌های مختلفی تقسیم شده‌اند.^۲ لوئیس معتقد است که تمام این دسته‌ها عقاید و آرای تند و افراطی داشته و به امامان خود نگاه اسطوره‌گرایانه و غلوآمیز داشته‌اند.

۱. لوئیس، ایران در تاریخ اسلام، ص ۷۷۲.

۲. لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ص ۳۷.

۲. مغیریه

دومین گروه از مدعیان مهدویت و متمه‌دیان که برنارد لوئیس به آن‌ها اشاره می‌کند، فرقه مغیریه هستند. این گروه، پیروان محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی ملقب به «النفس الزکیه» هستند. او از نوادگان امام حسن مجتبی و امیرالمؤمنین علیه السلام است. این مسئله مغیره بن سعد العجلی را واداشت که مدعی شود محمد نفس زکیه، مهدی است و مغیره پیامبر می‌باشد. پس از مرگ محمد، مدعی شدند که وی نمرده و در غیبت به سر می‌برد و روزی رجعت خواهد کرد. اندیشه‌های باطنی در تکامل این فرقه تأثیر فراوان داشته است.^۱

۳. ناووسیه

گروه سوم از مدعیان مهدویت و متمه‌دیان که لوئیس به آن‌ها اشاره می‌کند، ناووسیه هستند. او با بهره‌گیری از تقسیمات فرق نوبختی، ناووسیه را که به جاودانگی امام صادق علیه السلام و مهدویت و رجعتش قائل بودند، برمی‌شمرد.^۲

۴. اسماعیلیه

گروه چهارم از مدعیان مهدویت و متمه‌دیان که لوئیس به عنوان مهدی معرفی می‌کند، اسماعیلیه هستند. اسماعیلیان به امامت اسماعیل، پسر بزرگ‌تر امام صادق علیه السلام و پس از او، محمد بن اسماعیل قائل هستند.^۳ او به نقل از رشید فضل الله و جوینی می‌گوید که اسماعیلیان معتقدند، اسماعیل در زمان حیات پدرش نمرده؛ بلکه سال‌ها پس از او زنده بوده و معجزاتی از او سر زده است؛ لذا او اولین امام مستور اسماعیلیان می‌باشد که استتارش در سال ۱۴۵ق اتفاق افتاده است. البته وی معتقد است امام صادق علیه السلام اسماعیل را به سبب تمایل شدیدی که به نوشیدن شراب داشته، از امامت عزل نموده است^۴ و امامان مستور پس از اسماعیل، از دیگر

۱. همان، ص ۳۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۸.

مهدیانی هستند که پس از او آمده‌اند.

نظریه امامان مستور

امامت در اندیشه اسماعیلیان دارای مراتب مختلفی بوده و بر چند قسم تقسیم‌بندی می‌شود: امام مقیم،^۱ امام اساس،^۲ امام متمد،^۳ امام مستقر،^۴ امام مستودع^۵ و امام مستور.^۶ امامان مستور کسانی بودند که مخفیانه در شهرها می‌گشتند. امامان مستور اسماعیلی از نسل امام جعفر صادق علیه السلام بوده و به ترتیب: اسماعیل، محمد، احمد، حسین (المعل)، محمد (القائم) و خلیفگان فاطمی^۷ بودند. لوئیس به رساله کازانوا^۸ درباره دعوت اسماعیلیان اشاره می‌کند و می‌گوید:

کازانوا آورده است: «مهدی، همان امامی است که در آخرالزمان آشکار می‌شود و واپسین امام است و واجب است کمی پیش از پایان رسیدن عالم ظهور کند. این انتظار، بسیاری از مردم را مشتاق او می‌کند و متمایلند که امام زنده را واپسین امام یا مهدی به شمار آورند و هرگاه وفات او اعلام شود، نمی‌پذیرند و می‌گویند در اختفای موقت است و کسان دیگر که شک زیادی دارند، در جست‌وجوی امام دیگری هستند که مرکز آرزوها می‌شود. و از این خصوصیت اعتقادی عامه فرقه‌های متعددی از شیعه امامیه سرچشمه گرفته که نخستین آن‌ها جماعت محمد بن حنفیه است که او را مهدی می‌شناخته‌اند». کازانوا

۱. امام مقیم، کسی است که پیامبر ناطق را بر می‌انگیزاند به او «رب الوقت» و «صاحب العصر» نیز می‌گویند.

۲. امام اساس، یاور و امین رسول ناطق است و سلسله امامان مستقر در نسل او تداوم می‌یابد. او مسئول دعوت باطنی است.

۳. امام متمد، کسی است که در انتهای دوره رسالت را ادا می‌کند. وی هفتمین امام هر دوره است.

۴. امام مستقر، کسی است که از تمام امتیازات امامت برخوردار است و حق دارد امامت را به فرزندان و جانشینان خود واگذار کند.

۵. امام مستودع، کسی است که به نیابت امام مستقر به امور امامت می‌پردازد؛ ولی حق تعیین امام بعد از ندارد. وی نائب الامام است. او می‌تواند از فرزندان امام یا دانایان اهل زمان باشد که از سوی امام انتخاب شده است.

6. <https://fa.wikishia.net/view/%D>.

۷. لوئیس، بنیادهای کیش اسماعیلیان، ص ۱۴۵.

8. Casanova.

جنبش قرمطیان را تکامل یافته فرقه محمد حنفی یا کیسانیه می‌داند و به صورت کلی، اندیشه مهدی در اسلام را برآمده از آمیزه‌های باطنی مردم می‌داند.^۱

البته لوئیس این نظر را به مناقشه می‌گیرد؛ ولی در نهایت، جنبش‌های منجی‌گرایانه و مهدی در اسلام را برآمده از نظریه امامان مستور در شیعه می‌داند که به نوعی در کنش‌های فردی و اجتماعی شیعیان اثرگذار است.^۲ از جنبش‌های برآمده از این نظریه می‌توان به جنبش هلال خضیب،^۳ جنبش یمن و مغرب^۴ و جنبش قرمطیان بحرین اشاره کرد.^۵

ریشه مسیح موعود در مسیحیت

یک از مباحثی قابل توجهی که برنارد لوئیس بدان پرداخته، مسئله ریشه مسیح موعود در اندیشه مسیحیت است. وی ریشه مسیح موعود در مسیحیت را در ادبیات زرتشتی ایران باستان می‌داند و می‌گوید:

در پژوهش‌های انجام شده، مسئله مسیح موعود را در انجیل عبری نمی‌یابیم، مگر بعد از بازگشت بنی‌اسرائیل از بابل؛ به عبارتی پس از آنکه یهودیان، تحت نفوذ ایرانیان باستان قرار گرفتند، به سبب فشار و سختی‌ای که متحمل شده بودند، از اندیشه نجات در ایرانیان باستان متأثر شده و پس از آن این مسئله را در ادبیات دینی خود آوردند. وی این مسئله را خیلی بااهمیت می‌داند؛ چرا که اهمیت مسیح موعود در سنت یهودی-مسیحی را واضح و روشن می‌کند. نیز این مسئله را تا حدی در مسیحیت مؤثر می‌داند که جریان مدارج مذهبی کشیش‌ها با درجات مختلف را برگرفته از موبد و موبدان به‌کاررفته در ایران باستان و متخذ از دین زرتشتی می‌داند.^۶

۱. لوئیس، بنیادهای کیش اسماعیلیان، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۲۸.

۳. جنبش هلال خضیب در میان سال‌های ۲۸۹ و ۲۹۴ ق جریان داشت. در آن، زکریه و پسرانش خود را از تبار محمد بن اسماعیل انگاشته، خودشان را مهدی و امام معرفی می‌کردند.

۴. جنبش یمن و مغرب نیز از سوی افرادی همچون علی پور فضل و ابن حوشب، خود را امام و داعی معرفی کردند.

۵. لوئیس، بنیادهای کیش اسماعیلیان، ص ۱۱۸.

۶. لوئیس، ایران در تاریخ اسلام، ص ۷۷۲.

مضمون این کلام، این را می‌فهماند که وی به صورت ضمنی مسئله منجی در یهود و مسیحیت را متخذ از زرتشت و ایران باستان می‌داند.

دکترین شیعه در تاریخ

لوئیس، مهم‌ترین مسائل راهبردی شیعه را که برخی از آن‌ها، از ویژگی‌های دکترین شیعه شده است این‌گونه معرفی می‌کند که با سرکوبی قیام‌ها و ناپدید شدن رهبران آن‌ها، دکترین جدیدی در شیعه ایجاد شد. این دکترین که به عنوان دو ویژگی از مشخصه‌های شیعیان شورشی مطرح گردید، با عنوان غیبت و رجعت آخرین امام به عنوان رهبر شیعیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود پیدا کرد؛ به گونه‌ای که پیروان او معتقدند شدند وی نمرده است؛ بلکه مخفی شده و به زودی از مخفیگاه خود بازخواهد گشت و پادشاهی خداوند روی زمین را برقرار خواهد کرد. این مسئله یکی از اساسی‌ترین اعتقادات شیعیان به شمار می‌رود؛ لذا هر رهبری که ناپدید شود و رجعت نکند، اسطوره‌های فزاینده‌ای در رابطه با مرگ و رستاخیز و جهنم و بهشت را با جزئیات تازه‌ای غنا می‌بخشد. این منجی‌گری به یکی از اساسی‌ترین جنبه اسلام شیعی تبدیل شده است.^۱ تا جایی که غیبت و رجعت را دکترین شیعی معرفی می‌کند.

راهبرد منجی‌گرایی در شیعه

از دیدگاه لوئیس، منجی‌گرایی، یکی از چهار راهبرد اساسی و کنشی شیعه در اسلام است؛ لذا خشم، خشونت و تروریسم از دیگر راهبردهای کنشی شیعه در طول تاریخ هستند. این راهبردها، در اندیشه‌ای ریشه دارد که معتقد است، همه دول اسلامی از زمان قتل علی بن ابی‌طالب تا امروز، نامشروع هستند و تاریخ، مسیر اشتباهی در پیش گرفته است؛ لذا واکنش‌های آنان در برابر روندهای کنونی که افزایش فشار برای آنان است، تسلیم انفعالی، برکنار ماندن و عقب‌نشینی به جای درگیری و مشغولیت در برنامه‌ها و اعمال با هدف بازگرداندن تاریخ به مسیر صحیح است.^۲ و از این چهار راهبرد برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند.

۱. لوئیس، شیعه در تاریخ اسلام، ص ۴۳.

۲. همان.

عامل پایداری شیعه در جهان معاصر

بسیاری از مستشرقان در فرایند مطالعات اسلامی و شیعی خود مسئله قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و شهادت و مهدویت و انتظار امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحِيَّتَهُ را از مهم‌ترین عوامل پایداری در شیعه معرفی می‌کنند. در تأیید این مسئله، میشل فوکر و کلربریر در مبحث مبارزه با تفکر مهدی‌باوری در شیعه، دو عامل را از عوامل پایداری شیعه می‌دانند. همچنین درکنفرانسی که در شهر تل‌آویو برگزار شده است، افرادی همچون برنارد لوییس، مایکل ام‌جی، جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر بر این مسئله تکیه فراوان داشتند و در توصیف شیعه گفته‌اند: «شیعیان به نام امام حسین قیام می‌کنند و به اسم امام زمان قیامشان را حفظ می‌نمایند».^۱

احادیث موعودگرا در اسلام

در باب احادیث درباره مهدی و منجی موعود در اسلام، فحوای کلام لوئیس آن را می‌فهماند که بسیاری از احادیث موعودگرا در اسلام، جعلی و در جهت اغراض خاصی بوده است. او با استناد به حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: «پس از من خلفا، سپس امیران، و آن‌گاه ملوک و بعد از ملوک، جباران و... می‌آیند» بیان می‌دارد که این حدیث، جعلی است و آن را جزو احادیث فراوان موعودگرا می‌داند که در قرن دوم هجری، مستمسک خلفای متقدم و متأخر پدرسالار اموی بوده است؛^۲ تا از این طریق بتوانند به خود و حکومت خود مشروعیت دهند.

نتیجه‌گیری

از بازخوانی تجربه مهدی و مهدویت‌پژوهی برنارد لوئیس برمی‌آید که مطالعات وی جهت‌دار بوده است؛ چراکه با بررسی برخی از منابع و فرق اسلامی و تعمیم آن به همه اسلام و عدم بررسی اندیشه مهدی و مهدویت در سایر فرق اسلامی، آن را مورد هجوم قرار داده و با استناد به گزارش‌های تاریخی و احادیث معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به دنبال غیرمشروع جلوه‌دادن اندیشه مهدی و منجی‌باوری در اسلام، و حتی دیگر ادیان ابراهیمی بوده است. از طرف دیگر، وی خواهان بد

۱. رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۹۹

۲. لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ص ۹۱.

جلوه‌دادن و جعلی دانستن اندیشه مهدویت در اسلام و برخی ادیان است. بسیاری از پژوهش‌های وی درباره مهدی و مهدویت، در این نوشتار گنجانده شده است؛ اما بررسی انتقادی پژوهش‌های وی درباره مهدی و مهدویت، از اهم وظایفی است که تحقیق مستقلی را می‌طلبد.

پژوهش‌نامه موعود

بررسی و تحلیل مهدویت تشیع در تجربه ...

منابع

۱. الویری، محسن، *مطالعات اسلامی در غرب*، سمت، اول، تهران، ۱۳۸۱.
 ۲. جمعی از نویسندگان، *مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، آینده روشن، اول، قم، ۱۳۸۶ ش.
 ۳. دانشنامه الکترونیکی ویکی‌پدیا.
 ۴. رضوانی، علی‌اصغر، *موعودشناسی و پاسخ به شبهات*، مسجد مقدس جمکران، ششم، قم، ۱۳۸۸ ش.
 ۵. سعد، جهاد، *برنارد لوئیس (صهیئنه الغرب و تتریک العالم الاسلامی)*، مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية، اول، بیروت، ۱۴۳۹ ق.
 ۶. گزارش ویژه، *ژنرال‌های جنگ نرم ۲۱*، مجله خبری مشرق، کد خبر: ۴۰۴۲۱۰، ۲۵ فروردین ۱۳۹۴ ش.
 ۷. لوئیس، برنارد، *ایران در تاریخ*، مجله ایران‌شناسی، دوره جدید، سال ۱۵، ش ۶۰، زمستان ۱۳۸۲.
 ۸. لوئیس، برنارد، *بنیادهای کیش اسماعیلیان*، مترجم: ابوالقاسم سری، ویسمن، اول، تهران، ۱۳۷۰.
 ۹. لوئیس، برنارد، *تاریخ اسماعیلیان*، مترجم: فریدون بدره‌ای، توس، تهران، ۱۳۶۲.
 ۱۰. لوئیس، برنارد، *زبان سیاسی اسلام*، مترجم: غلامرضا بهروز لک، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، قم، ۱۳۷۸.
 ۱۱. لوئیس، برنارد، *شیعه در تاریخ اسلام*، کتاب تشیع، مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو)، ۱۹۸۴ م.
 ۱۲. لوئیس، برنارد، *نظری تاریخی به اسلام و دمکراسی لیبرال؛ راه دمکراسی در خاورمیانه*، مترجم: عزت‌الله فولادوند، مقاله علمی، روزنامه شرق، بی تا.
 ۱۳. موسوی گیلانی، رضی، *شرق‌شناسی و مهدویت*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، دوم، قم، ۱۳۹۱.
14. <https://fa.wikishia.net/view/%D>.
 15. <https://www.mashregnews.ir/news/404210>.
 16. Said, Edward. "The Clash of Ignorance," The Nation October 22, 2001. Retrieved April 26, 2007.
 17. Solomon, Evan (May 17, 2002). "Hot Type: Bernard Lewis Interview: What Went Wrong? Western Impact and Middle Eastern Response". CBC News. Archived from the original on April 30, 2008.